

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۱۶
شنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

نیروی متحد خلق تنهاراه سر کوب ضد انقلاب

در صفحه دوم

در صفحات بعد

واقع بین باشیم،
نه پندار باف

(صفحه ۲ - ستون سوم)

شناخت جامعه
کشورما - ویژگیهای
سرمایه سالاری در
ایران
(صفحه ۳ - ستون اول)

جبهه متحد
خلق در
نیکارگوه،
درسی که می
توان برای
ایران گرفت
(صفحه ۸ - ستون سوم)

تنها با اتخاذ
تصمیمات و تدابیر
انقلابی میتوان گزانی
را مهار کرد
(صفحه ۸ - ستون اول)

روابط ملت‌ها
در سوسیالیسم
(صفحه ۵ - ستون سوم)

خطر! شری از
برزین آذر مهر
(صفحه ۸ - ستون اول)

در «حاشیه»
مبارزه انتخاباتی
برای مجلس
خبرگان
(صفحه ۳ - ستون دوم)

درنگ در لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا، گستاخی امپریالیسم امریکارا شدت می بخشد

قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا، که نام رسمی ولی نامسای آن «موافقت نامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده امریکا است»، بدولت ایالات متحده امریکا «حق» میدهد که زیر عناوین مختلفی نظیر «اشتراك مساعی» برای «امنیت و دفاع»، «حفظ امنیت دستجمعی»، «مقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیر مستقیم»، اعمال اختیارات رئیس جمهور امریکا «بموجب قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه» و عناوین دیگری از این قبیل، با ایران ارتش گمبول دارد.

از سوی دیگر در این دو ماهه اخیر نه فقط از منابع خبری، بلکه از زبان مقامات مسئول دولت امریکا اعلام شده که دولت امریکا در کار تقویت نساوگان خود در آبهای غرب اقیانوس هند، تقویت پایگاههای دریائی - هوائی خود در مصر و بحرین، ایجاد یک نیروی ۱۱۰ هزار نفری «واکنش سریع» برای «حفظ منافع حیاتی خود در خاورمیانه» و احیاناً اشغال مناطق نفت خیز در منطقه خلیج فارس است. در عین حال میدانیم که امپریالیسم امریکا، در نتیجه انقلاب ایران، «ژاندارم منطقه‌ای» و پایگاه تجاوز خود را در منطقه از دست داده و در نتیجه جناح «عقابها» در دستگاه دولتی امریکا با شدت کم سابقه‌ای میکوشند «آب رفته را بجوی باز آرند».

در چنین اوضاع و احوالی، آیا نباید بر درنگ و بدون لحظه‌ای تأمل، سندی که بدولت امریکا «حق» گمبول ارتش ایران را میدهد، پاره کرد و آیا اصولاً انقلابی که برای رهایی کشور از زیر سلطه امپریالیسم انجام گرفته و تمام مردم سراسر کشور، چون تن واحد، قیام کرده‌اند، به پیروزی بقیه در صفحه ۴

نام تمام دست اندر کاران توطئه‌های امپریالیسم امریکاز افاش کنید

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، طی نطقی در زمین چمن کاخ سعدآباد، توطئه‌های متعدد امپریالیسم امریکا برای عقیم ساختن انقلاب ایران را فاش ساخت. این افشاکری که جساداش همان روزهای بدراز انقلاب انجام گیرد، ولی به مصداق اینکه ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه است، اقدامی است بسیار ضرور و در جهت بسج نیروهای راستین انقلابی برای تداوم و تعمیق انقلاب و پیشبرد آن تا پیروزی قطعی و نهائی. توطئه‌های امپریالیسم امریکا - بنا به افشاکریهای آقای دکتر یزدی - مرحله به مرحله طرح ریزی شده و شامل طرحهای، از کشتار جمعی مردم برای حفظ سلطنت گرفته تا برقراری جمهوری قلابی بریاست اشعاعی نظیر «علی‌امین» و «دکتر سجایی» و حتی کودتائی برای برپائی نوعی جمهوری اسلامی».

آقای دکتر یزدی اظهار داشت، دوقتی امریکا در تمام راهلهای خود باشکست رو بر سرود، تصمیم گرفت که این انقلاب را بهر تریبی شده به رژیم گذشته وصله بزند. برای این وصله زدن، که بگفته آقای دکتر یزدی، «برخی از فعالین داخلی نیز (بدان) معتقد بودند، طرحی به نام - بقیه در صفحه ۴

دوستی ایران و کوبا بسود پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی است

دیدار رسمی هیئت نمایندگی جمهوری سوسیالیستی کوبا، بریاست آنتونیو نواسکوئل پندرا، وزیر صنایع شیمیائی کوبا، از ایران نشانه‌ای از علاقه‌مندی و احترامی است که دولت انقلابی و مردم قهرمان کوبا نسبت به انقلاب شکوهمند مردم ایران ابراز میدارند. این دیدار حسن نیت بیانگر آنستکه دولت انقلابی کوبا از برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران استقبال میکند و استقرار این روابط را اقدام مثبتی در همبستگی مبارزات ضدامپریالیستی و استقلال طلبانه مردم کوبا و مردم ایران موشمرد، هیئت نمایندگی کوبا، ضمن مذاکره با وزیر امور خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران، تمایل خود را به توسعه روابط دو جانبه ایران و کوبا ابراز داشت و آمادگی دولت کوبا را برای برقراری روابط سیاسی با دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

دکتر یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در مورد چگونگی روابط سیاسی میان دو کشور ایران و کوبا تاکنون کرد که دولت ایران با برقراری این روابط موافقت دارد و افزود که نحوه این روابط در هیئت دولت مطرح خواهد شد.

چنانکه همه میدانند، رژیم شاهین شاه مخلوع تنها بدلیل آنکه کوبای سوسیالیست از جنبش انقلابی مردم ایران و نیروهای مترقی ایران پشتیبانی میکرد، روابط دیپلماتیک خود را با کوبا قطع نمود.

کوبای سوسیالیستی از نخستین کشورهاست که بدون قید و شرط و صادقانه و با تمام نیرو از انقلاب پیروزمند مردم ایران و حکومت اسلامی ایران پشتیبانی کرده و میکند. دولت انقلابی کوبا، که همواره آماج تجاوزها، توطئه‌ها و اقدامات خصمانه امپریالیسم امریکا بوده و هست، با سیاست یکپور و قاطعانه خود در مبارزه علیه امپریالیسم و در مبارزه بغافل استحکام دستاوردهای انقلابی کشور خویش و در پشتیبانی همه جانبه از جنبش‌های رهایی بخش ملی و جنبش کشورهای غیر متعهد، در میان همه خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین احترام و منزلت بسزائی کسب نموده است.

یکی از اهداف عمده انقلاب شکوهمند مردم ایران، که مبارزه برضد امپریالیسم و حمایت از جنبش‌های رهایی بخش ملی خلقهای جهان است، برای همبستگی و همکاری نزدیک میان دولت‌ها و خلقهای ایران و کوبا زمینه مساعدی پدید آورده است.

اقدامات دولت مسوقت جمهوری اسلامی ایران در زمینه بازسازی سیاست خارجهی ایران در سمت عدم تمهد، استقلال و داشتن روابط دوستانه و همکاری با تمام خلفها و کشورهای جهان بر پایه اصول برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احیاء و استحکام روابط سیاسی ایران با همه کشورهایی را که از این اهداف و اصول پیروی میکنند، ضرور میسازد.

ما امیدواریم، همانطور که طرفین اعلام داشته‌اند، مناسبات دیپلماتیک ایران و کوبا زمینه بسط روابط دوستانه بین دو کشور باشد و خلفهای ایران و کوبا بتوانند از نتیجه روابط دوستانه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برخوردار گردند.

بر اساس کدام قانون؟ برابری حقوق زن و مرد باید صریح و بی‌خدشه و روشن در تمام زمینه‌ها تأمین و تضمین شود

طبق خبر روزنامه‌ها، بر اساس مطالباتی که شروع شده، سیستم قضائی دادگستری یکسره زیر و رو خواهد شد، دادگاهها و دادسراها منحل، و بجای آنها یک دادگاه عمومی، تشکیل خواهد شد و رسیدگی در دادگاههای شهرستان و استیناف و رسیدگی پژوهشی، از دو درجه‌ای به یک درجه‌ای تبدیل خواهد یافت.

بقیه در صفحه ۶

چرا «ضد اطلاعات» کنونی ارتش باید منحل شود؟

صفا ۳

در پایان

به دستها میبندیش،
دستهای که بسیار نوشتند
دستهای که روزنامه تا زوند
دستهای که روزنامه فروختند
دستهای که اعلامیه چسباندند
دستهای که صندوق‌های اعانه دورگرداندند
دستهای که بازوبند سپید و سرخ انتظامات بستند
دستهای که زنجیره حمایتی گرداگرد جمع ساختند
دستهای که صلا دادند، بوسه فرستادند
دستهای که کفش زدند
دستهای که پولهای خرد را شردند و تحویل دادند
دستهای که رای صندوق انداختند
دستهای که دستها را فشرده‌اند.

آری در پایان بدستها میبندیش
- در نخستین پایان -
و بدان دست
که افرا گذاشت بر گونه فرزندم
در کنار خوابان.

فرهادره آور

دنیا

نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی حزب توده
ایران بزودی منتشر میشود

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

نیروی متحد خلق، تنهارا عسر کوب ضد انقلاب

هدارهای حزب تودا باون بر اساس درتعلمی و تحلیل عینی واقعات و ازوری دلسوزی و حمایت بی دریغ از دستاوردهای انقلاب است. بی توجهی به این هشارها، بزین انقلاب مردم قهرمان ایران و باعث پایمال شدن خون هزاران شهید است.

در «مردم» شماره ۲۴ (۱۹ خرداد ۱۳۵۸) مقاله‌ای تحت عنوان «افزایش انقلاب خیزنده تا ضد انقلاب خشن» درج گردید. در آن مقاله ما هشارداردی که زمینه‌هایی برای سوءاستفاده ضدانقلاب موجود است و امپریالیسم و ارتجاع داخلی هنوز بایگانه‌های عمده‌ای در دست دارند و به کسانی که انقلاب را فاسد شده می‌دانستند، هشارداردی که نبرد ضد امپریالیسمی را ادامه باید داد. و نیز تذکر دادیم که بورژوازی زمنیه مناسبی برای خریدن ضد انقلاب هموار کرده‌است. و بالاخره مقاله‌ای را این‌جمله بیا بیا رساندیم، «اگر راه‌های ضد انقلاب خیزنده بسته نشود، دیری نخواهد گذشت که ما با ضد انقلاب خشن روبرو خواهیم شد».

سورج‌پایان و خود واقمیت صحت‌پیش‌بینی و ضرورت خاطر مارا با بارات رسانده است. ولی متأسفانه همچنان از جانب دولت نسبت به این مهم بی‌توجهی میشود و حتی بعضی نیروهای انقلابی نیز حساسیت این لحظه تاریخی و ضرورت حفظ اتحاد و یکپارچگی، پرداختن به مسائل اساسی و گذشتن از کنار دام‌های رگبارنگ توطئه‌گران را درک نمی‌کنند. نیروهای چه‌رو بر اساس درک علمی و طبقاتی نیروها و تناسب آنها حرکت نمی‌کنند و عملاً دمکرات‌های انقلابی را در میان سازند و به لیبس‌ها و محافظه‌کاران امکان بهره‌برداری از تشنجیات را میدهدند.

از تاریخ درج آن مقاله تاکنون، ضد انقلاب آشکارتر، چورتری و فاعلتر شده است. در بحث‌های خیابانی، در برخی روزنامه‌ها و نشریات، در عملیات خرابکارانه و تروریستی، در تبلیغات تفرقه‌افکنانه، در ترورهای ضد انقلابی و در پراکندن شایعات و نیز در اقدامات امپریالیسم (که ضد انقلاب در ایران بعد از سر ما مانده است) این خشونت و جسارت آشکارتر شده است.

ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع داخلی) با تمام نیروها استفاده از کشف‌تیز و ضد بشری‌ترین شیوه‌ها، برای برگرداندن شرایطی که بنوع‌کلیت بنیاد برتر و تنها سوس‌نوشته ما چنگ بیا نماند، تلاش میکند. علی‌رغم تلاش بورژوازی لیبرال برای به بند کشیدن توده‌های میلیون‌ها آشتی-صوبانه آنها نسبت به امپریالیسم، بر اثر یک‌بیکری مردم بی‌باخته و مسمم ایران و وهربری قاطع امام خمینی، هر روز امید امپریالیسم به راه‌های «مسالمت‌آمیز» غارت ما به باس می‌گرایند، لذا دشوهای تروریستی و خرابکارهای خشن را اعمال میکنند و در این کارها آنجا پیش می‌روند که نیروی صدورده‌ها ز ارتق‌ی از جانورانی که تنها در دنیای امپریالیسم امریکا پیدا میشوند، تدارک می‌یابند.

در فاصله هشار ما در این باره تاکنون، حوادث گوناگونی درج شده است، چند ترور ضد انقلابی، برادر کشی در خوزستان، جنگ‌های خونین در کردستان، توطئه و تحریک در بلوچستان، در کنار این رخداد‌های خشن، ضد انقلاب زمنیه روانی مناسبی پدید آورده است. بطوریکه اکنون در کردستان همه با هم سرچنگ دارند و وضع آشفته است که هر آن احتمال خرابی حادثه گوناگون‌تری می‌رود. برخی روزنامه‌ها و باجسارت و بختی در به انقلاب حمله می‌کنند و در ایجاد محیط نفاق و سوسطن و نیز سرخوردگی از انقلاب می‌کوشند. در بحث‌های خیابانی علناً به رهبری انقلاب توهین می‌کنند، با بی‌نامه حساب‌بندی و اجتماعات مسالمت‌آمیز حزب و سازمان‌های مردمی، بویژه حزب توده ایران، حملات و مشوند ... خلاصه ضد انقلاب پیوسته حادثه می‌آفریند و در این راه موفق نم‌شود.

امپریالیسم امریکا هم‌چنان به باور می‌دهد، (و این کلیت تمام مشکلات است، زیرا ضد انقلاب داخلی بزرگی را در باب امریکائیش و بسند مستقیم آن به توطئه‌گری مشغول است.) از طرفی سیل‌خبر-نگاران را بسوی شاه مخلوع گسیل میدارد، که بموان یک دقت‌مسمول (۱) باوی مصاحبه‌کنند و از طرف دیگر در تلویزیون امریکا شایع میکند که شاه می‌خواهد به ایران برگردد. از طرفی طرف‌سخت‌نیروی ضربتی صدورده‌ها ز ارتق‌ی را اعلام میکند و از طرف دیگر در باره خط‌نروریست‌ها درخلیج فارس هشار میدهد. از طرفی به اسرائیل دستور میدهد که شاه مخلوع را دعوت کند و از وی استقبال (۱۱) بعمل آورد و از طرف دیگر اسامی‌هایی را که اسرائیل در جنگ با اعراب بدست آورده است، به ضد انقلابیون ایران میدهد تا زمنیه‌ها را در داخل برای تبلیغات تفرقه‌افکنانه ضد کمونیستی و ضد شوروی فراهم سازند.

بروشنی پیدا است که سرچشمه تمام خرابکاریهایی ضد انقلاب در واقع تشنج است. لذا برای مبارزه قاطع علیه ضد انقلاب باید با تمام نیروی امپریالیسم بیکار و خویشتن‌پیشه امریکا آتش‌گشود. راه پرورزی انقلاب ایران تشکیل جبهه متحد خلق از تمام نیروهای انقلابی و ضد امپریالیسمی و دمکراتیک بر علیه امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی است.

در این میان بورژوازی لیبرال نقش نرم‌کننده‌ای در این دوران سر نوبت بازیافت می‌کند. بورژوازی لیبرال زمنیه مناسبی

واقع بین باشیم، نه پندار باف

برای يك انقلابی، پندار بافی، ندیدن واقمیت، خواست اندیشی و تصور اینکه انسانها و حیوانات، خلاصه همه چیز، باید موافق **الگوهای خیالی** او باشد، خطر بزرگی است.

ما به «رمانتیسیم انقلابی»، یعنی آمادگی برای ابتدار هر چیز عزیز خود (از وقت و نیروی جسمانی دیول و تنجی به و علم خود گرفته تا جان خود) در راه آرمان‌های خلقی باور داریم، ولی رمانتیسیم انقلابی که لازمه انقلابی بودن است، يك چیز است. و پندار بافی و ندیدن واقمیت چیز دیگری.

واقمیت‌ها را چنانکه هستند، بدون آرایش و ویرایش، بدون توجیه گریه‌های دل‌خوش‌کنك، باید دید. باید توانست در چشم واقمیت نگر نیست واز اینکه واقمیت با الگوهای خیالی ما از حیوان و انشاستا خود نیستند، نرمید، دلسرد نشد، شور و رمانتیسیم انقلابی را از دست نداد.

تمام مسئله اینجاست: حزب طبقه‌کارگر، جنبش انقلابی، بخشی است از جامعه، بخشی است از تاریخ. جامعه و تاریخ مهر و نشان خود را بر آنها می‌گذاردند.

مصالح انسانی در روانی حزب و جنبش از آسمانها، از آلازود زلال‌بودن دست، فرود نیامده. آدم‌هایی که در محیط بطور عمده خردم-بورژوازی، در بافت بطور عمده عقیمانه جامعه ما پرورده شده‌اند، سپس در حزب و جنبش انقلابی شرکت میکنند. انقلابی، از اینکه انقلابی شده، بگذرند، لنین، موجود مفسد و مسموم نشد. فرد انقلابی از اینکه به فردی مشغول یا رهبر می‌گردد، بگذرد، به همه‌جمله خرد محض و مظهر فقدان خبا و نقطه ضعف بدل نگردد.

انقلابیون و مسئولین در رهبران سازمان‌های انقلابی، آدم‌های عادی هستند، که از آدم‌های عادی دیگر، با درجه‌بندی حالت، بر حسب **تعهد اجتماعی، سطح آگاهی، میزان تجربیه، آمادگی برای مبارزه و فعالیت‌کاری** ممتازند، نه بیش. همین ممتاز بودن آنها را **پیشاهنگ** مبدل میکند، ولی بفرشته، به قهرمان بر همه چیز، و بخردمند از همه چیز آگاه، بیک آیهورد، بیک نیمه خدا، بدل نمیکند.

حزب انقلابی، که مجموعه‌ای از این پیشاهنگان است، بناچار گردان پیشرو طبقه و جنبش است، و قایم بر این پیشاهنگی، مشکلات راهبش میبیند، دشمن‌ها را بهی میشناسد، با او هم‌ترب مبارزه میکند، ولی همه اینها دلیل نیست که در کلاف سرد گردن‌سج اجتماعی، این حزب با این گروه، دچار اشتباه و انحراف نشوند.

لنین میگوید: مسئله پرسر این نیست که اشتباه نکنیم. کسی که کار میکند، اشتباه میکند. مسئله پرسر این است که اشتباه بزرگ و اصولی نکنیم. به اشتباه خود بسی بریم، آنرا صادقانه بیان کنیم، آنرا رفع کنیم، در باره‌اش لجاج نوزوریم، آنرا به پایتقورم (پایگاه فکری) بدل نکنیم.

پندار بافی و وادیده‌آموزه، گرده‌های الکی‌ودومی زیاد است. یک‌دفعه همه بیعت‌فیلان رفیق باحیرت و باس سنگون میگویند که، چطور ممکن است که لاران، رفیق فلان شریه حزب، فلان ارگان حزبی نتوانسته باشد مطلبی را بیش‌بینی کند، از خطای احتراز ورزد، تصمیمی ناقص یا نادرست بگیرد؟ دنیا در برابر این رفیق پندار باف، که گویا بخود را با «فروشگان خطا ناپذیر» و «قهرمانان همه‌دانو

را برای فعالیت ضد انقلاب مهیا ساخته است. مثلا موضع‌گویی‌های ضد کمونیستی، آشتی‌طلبی با امپریالیسم، منحرف‌کردن افکار عمومی از خط عمده و اساسی، یعنی امپریالیسم امریکا، تبلیغات طاقت‌ور در باره «خطر کمونیسم» و خطر شوروی، مخدوش‌کردن مرز دوستی و دشمنی، تلاش برای انحلال کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب (و موقمیت در بعضی موارد) با بازسازی ارتش بدون تصفیه اساسی و ایجاد، عدم استفاده از نیروی لایزال خلق در حل مشکلات، مسامحه‌کار در برابر مسئله ملی، سبک‌دیده درباره خراب‌کاران و تروریست‌های دم‌سنگی شده و این اواخر آزاد ساختن سواکی‌ها (که هر یک مستقیم و غیر مستقیم دشمنان به خون عزیزترین فرزندان میهن ما آورده است) سماجت بر سر حفظ قرارداد تفکیک دو جانبه نظامی ایران و امریکا، رجحی تحریک مردم از طریق برنامه‌های مغرضانه و تحریک‌کننده تلویزیون، زمنیه مطلوبی را به ضد انقلاب ارزانی داشته است.

ما مجدداً هشار میدهیم، ضد انقلاب سواکی را در تمام کشور معرفی و مجازات کنیم. دست تمام بازمادندگان رژیم گذشته و عناصر مشکوک را از ارتش، شهربانی و ژاندارمری کوتاه کنیم. ضد انقلاب را با قاطمیت و با تمام نیرو در هم کوبید. عاملان ناراضی توده‌ها را مجازات کنید.

ما به کلیهٔ نیروهای انقلابی هشار می‌دهیم که بدون از تفك نظریه‌های گروهی و با: بنیش روشن و طبلی سبوس، حساسیت‌این لحظه تاریخی را درک کنند و مبارزه متحد و همه جانبه علیه امپریالیسم و بازمادندگان رژیم پهلوی را سازمان دهند و در جبهه متحد خلق دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای تحکیم و گسترش آن متحد شوند.

این واقمیت را هم تأکید کنیم که ما به نیروی لایزال خلق ایمان و اطمینان داریم. ما ایمان و اطمینان داریم که خلق قهرمان ما، که با آگاهی و آرزو، در راه آزادی ما با داندان مسلح پهلوی را سرنگون کرد، بخواهد امپریالیسم خونخوار امریکا ضربت کم‌شکن وارد ساخت، علی‌رغم تمام توطئه‌ها و مشکلات، بقایای این رژیم مغفوق و بازمادنده‌های این امپریالیسم فادنگر را نیز از بس‌های خود خواهد روفت.

شناخت جامعه کشور ایران (۷)

ویژگیهای سرمایه‌سالاری در ایران

از: احسان طبری

همه تون» رومر و میده، تیره و تار میشود. ای چه با دیوار ایمان او با گور و بنگ سنگون فرو می‌ریزد. و رفیق، با آنچه که تا دیروز با عشق، می‌پرستید، امروز با کاین لدن می‌پرستند، این بسیار تأسف‌انگیز و در همین حال مضحک است.

تمام دشواری در اجتماعی- انقلابی و تمام زیبایی آن در آنست که شما با نسج زنده اجتماعی سرو کار دارید و در برخورد با این نسج، که باید کاری بسیار طولانی برای سالم‌سازی آن (و از آنجا سالم‌سازی خود ما، که دعای دور و دراز داریم) انجام گیرد، باید واقع بین بود. باید دانست که انسانها تنها صفات نیک و با صفات بد نیستند، بلکه مختصات متناقض دارند و فقط لازم است تشخیص دهیم که چه چیز در او عمده و تعیین‌کننده است.

وقتی می‌گوئیم رفیقی مثبت است، معنایش بی‌عیب نیست. معنایش اینست که از جهت ایمان سیاسی و لیاقت کارمبارزه دارای حد معینی از شرایط لازم است. همین رفیق مثبت میتواند در عرصه‌های دیگر روح خود قاطعاً مختلفی داشته باشد.

وقتی کسانی را بعنوان ارگانی معین می‌کنیم، یعنی این‌جمع، در شرایط مشخص و ممکن موجود، مناسب‌ترین کسانی تشخیص داده شده‌اند که میتواند فلان وظیفهٔ معین را اجرا کنند. این بدان معنی نیست که آن ارگان از هر باره ایده آل است، یا در نفسش امکان مساعد نیابد، یا بهتر کرد.

البته واقع‌گرایی نباید مانع طلبیدن، توقع داشتن، انتقاد جدی کردن باشد. احدی حق ندارد به بهانهٔ واقع‌گرایی به شما بگوید، «می‌توانست هست»، «ه‌آتش‌کش خاله است»، «طلبیدن، توقع جدی داشتن، انتقاد جدی کردن، بی‌توجه به شرایط و امکانات، یعنی از دیدگاه واقع‌گرایانه، نه فقط انقلابیون و مسئولین در رهبران سازمان‌های انقلابی، عادی هستند، بلکه حیاتی است. عیب و نقص، بهر دلیل که باشد، نباید مسکوت بماند. باید علیه آن نبرد اصولی انجام گیرد و طرق رفع آن یافت شود و لایسج حزبی رشد نکند، احدی حق ندارد پایگاه و دلایل عینی، عیوب و نقائص و مسئولیت‌های افراد را توجیه کند.

توجیه‌گری در جریان انقلابی گاهی کمتر از منزخ طلبی نیست. لذا ابتدا صحبت بر سر آن نیست که چون ما پندار بافی نیستیم، واقع‌گرا هستیم، میدانیم بافت جامعهٔ ما عقب مانده و ترکیب آن خردم بورژوازی است، میدانیم که انسانها در آزمايشگاه چنین جامعه‌ای پرورش جسمی و روحی یافته‌اند، لذا باید در تکمیل، سازگاری نشان دهیم. اما ابتدا ا برعکس!

در عین آگاهی از علل واقعی پیدایش بیماری باید با تمام قوا نبرد کرد، منتها از موضع علم نه از موضع پندار. زیرا اگر نبرد، از موضع پندار باشد، مؤثر نیست. معلوم میشود که شما اصلاً عمل بیماری را شناخته‌اید. نبرد زمانی مؤثر است که از موضع علم باشد.

پندار بافی خود مرض خودکانه است. ما باید مبارزان را از خردسال تا پخته سازیم، و از این بیماری حفظ کنیم. آنها را چشم باز، واقع بین، دور از پندار، ولی در عین حال رمانتیک، انقلابی، نقاد و متوق بار آوریم.

و این، از روز اول، گام نهادن فرد مبارز در جدادهٔ بی‌چایج و یکبار اجتماعی است، جاده‌ای دشوار، ولی بی‌منازعا

کمک مالی به حزب تودهٔ ایران

یک وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تصمیم‌گیری‌های انقلابی و توسل‌یافته جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب تودهٔ ایران یک وظیفهٔ انقلابی است. **لذا کمک‌های اعطاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته فرود انگیز است.** اکنون نیز ما طیفیان داریم یک اعطاء، هواداران و دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و نفسی انقلاب ایران مساعدات غلاظت‌اند، که به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۰۲۳۵۹۹۰۳۳۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را به یکی از نوسحاب بانک زیرین بریزند:

حساب بانکی به نام دکتر کشی و به شمارهٔ ۳۳۳۳، شعبهٔ ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین طباطبائی (ایران‌نوین سابق)، شمارهٔ ۴ - حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۴۱۱۰ بانک صادرات بانک زیرین بریزند:

تصحیح

در نشر «تقدیم به‌حزب» - منتشر در شماره ۵۰ - سردرد - نقاشی، در سرخوسستان غلط و سردر خوبان صحیح است.

چرا «ضد اطلاعات» کنونی ارتش باید منحل شود؟

طرفداران حفظ واحیا سازمان «ضد اطلاعات» ارتش استدلال میکنند که، چون هر ارتشی میبایستی دارای سازمان ضد اطلاعات باشد، پس «ضد اطلاعات» ارتش باید حفظ احیا گردد. این استدلال ظاهراً درست بنظر میرسد، ولی در واقع منسطفه‌ای است برای حفظ سازمان «کسب اطلاعات» پنتاگون و احیاء سلطه سیاسی - نظامی امریکا در ارتش ایران.

سخن بر سر ضد اطلاعات» بطور کلی نیست، بلکه سخن بر سر «ضد اطلاعات» کنونی است. این ضد اطلاعات سازمانی است که از سوی مستشاران نظامی امریکایی و بویژه ماموران سازمان جاسوسی پنتاگون ایجاد شده، افراد آن از صافس سازمان «ضد اطلاعات پنتاگون» گزینده، کار آن جمع‌آوری اطلاعاتی بوده است که در اختیار امریکائیان قرار میگرفته است. بنابر این اگر قرار است که ارتش ایران، ارتش ملی و مردمی گردد، اسرار ارتش حفظ گردد افراد سازمانی برای انتقال این اسرار به سازمان اطلاعات پنتاگون در ارتش نباشد، لزوماً باید «سازمان ضد اطلاعاتی» کنونی منحل گردد و سازمان «ضد اطلاعات» بکلی نوبی، با افراد دیگر کرد و فادار به انقلاب ایران و معتقد به تبدیل ارتش به یک ارتش ملی و مردمی باشد، تشکیل گردد.

بدینسان انحلال سازمان کنونی «ضد اطلاعات ارتش» یکی از اقدامات ضروری، بلکه ضروری‌ترین اقدامی است که برای نوسازی بنیادی ارتش ایران و ایجاد ارتش ملی و مردمی باید تحقق یابد.

مردم مدافعان حقوق خود را می‌شناسند

یکی از هواداران حزب توده ایران در نامه‌ای به ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

«چند روز قبل از رأی‌گیری بایک از دوستانم از کنار پارک گذر میکردم. در آنجا متوجه چند پسر بچه شدم که یکی از آنها با صفا حرکت میکرد. آنها سرعت ما نوشته است:

سرمایه‌داری ایران بناچار در رشته بانکداری، بیمه، مسکن و بازرگانی وارداتی و انواع خدمات مصرفی به فعالیت پرداخت و بدنبال کار آسان و منفعت زودرس رفت.

سرمایه‌داری بین‌المللی علاقه داشت ایران به کشور مصرف کننده، فاقد پایهٔ تولیدی و پایهٔ کارشناسی و مدیریت بدل شود، تا بکلی واردات اساسی را به عهده وی بسته باشد. مثلاً مصرف اتومبیل در ایران بعدی است که اگر میخواست مصرفی معقول (یعنی مبتنی و متناسب با تولید داخلی باشد) سطح مولدیت کشور ما یعنی در صنایع اتومبیل‌سازی افزایند ذهن و آلمان غربی باشد، یا مثلاً مصرف کاغذ و از آنجمله دستمال کاغذی در ایران بعدی است که گویا ایران یکی از بزرگترین مولدین کاغذ در دارای جنگلهای سراسری است. سطح زنده‌گی کنونی، بویژه در قفقاز بالا و متوسط، وسط مصرف این قفقاز، تناسی با بنیهٔ مولده و پایهٔ تولیدی ندارد. در واقع پایهٔ تولیدی آن در کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی، امریکا، کانادا و ژاپن است. سیاست تبدیل ایران به بازار مصرفی موجب اجرای نقشهٔ عادلانهٔ و رشک‌کشوری کشور شد که که امپریالیسم امریکا، بدست خانوادهٔ پهلوی، در اجراء آن دست داشته است. این مصرف وسیع، فقط برای غارت لایزهای نفتی ما بود. با این مصرف وسیع باید تحویل دهها و دهها میلیارد دلار سلحه را (که طی چند سال آتی به‌گونهٔ آنها پاره بدل خواهد شد) افزود. از قریب صد و پنجاه میلیارد دلار عواید نفت طی پنجاه سال اخیر، که معیونست ایران را دگلسفان کند، اکنون دولت چیز درخورتری در دست ندارد.

این مداخلهٔ خشن و رمانتانهٔ سرمایه‌داری استعماری و نو استعماری بین‌المللی موجب شد که جامعهٔ سرمایه‌داری ما، پس از چندین دههٔ رشد، هنوز در سطح ساختی، معنای ساختهای ماقبل سرمایه‌داری (مانند اقتصاد طبیعی و اقتصاد خردم‌گرایانه) در آن حفظ شود. تشکیل بازار ایران شمول واحده، کند انجام پذیرد، بورژوازی ملی ضعیف و کم بنیسه با مانع بورژوازی بطور اساسی دلال خارجی (کومپزادور) باشد، ایران از جهت فن و فن آوری (تکنولوژی) و مدیریت و کارشناس و تدارک نیمه‌ساخته‌های صنعتی بعد و اسیکنر نیمه‌انیمه‌ولی نوسازی، بر اثر این حد دست‌نزداری، نتوانست در قرن تلاش برای نوسازی خود، تا این حد مستعدتر نسبت به نصاب‌های امپریالیستی است، صحبت بر سر آن «دروابط» سالم و عادی نیست که ناچار بین کشورهای صنعتی وجود دارد، بلکه صحبت اتفاقاً و دقیقاً بر سر وابستگی است. می‌پویندی (تکنولوژی) اقتصادی بر پایهٔ برابری حقوق و تقسیم کار معقول و همیاری و ویژه‌کاری اقتصادی مطلوب است، ولی وابستگی مطلوب نیست.

بعد از انقلاب ایران، امپریالیسم از همین وابستگی دارد استفاده میکند، برای اینکه از جهت اقتصادی کشور را مختنق سازد. نقشهٔ ایلیمانه‌های در کار است که اگر گدای جدید انتخاب نشود، عواید نفت آن در دست نزدیک ظاهر خواهد شد. باید انقلاب را از دست نفقه‌کنندهٔ «انحصاری اقتصادی» نجات داد.

این رشد ناسالم سرمایه‌داری وابسته موجب ترمز تکامل علوم و فنون و تربیت کارشناسان شده، مسئلهٔ ملی و مسئلهٔ ارتش را در کشور ما حل نشیده باقی گذاشته، استقلال ما را سوری سلب کرده، از بسط دمکراسی در کشور ما جلوگیری و مانع تحول. برای فرهنگ و سواد آموزشی اهالی کشور مانده است.

سرمایه‌داری بزرگ بین‌المللی (امپریالیسم) این نقشه‌های چپاولگرانهٔ اقتصادی خود را همیشه بدست مضمی خود فرخته، ما نند خاندان پهلوی (کسب خود را در اختیار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی گذاشته بودند) پیاده میکرد و سیاست «گران فروش و ارزان بخیر» را به پیشهٔ همیشه با صنعتی شدن کشور ما متخالف ورزیدند، تا حد «صنعت مونتازه» وابسته را برای ما مجاز شمرد. تلاش‌های کشورهای سوسیالیستی برای ایجاد واحدهای جدید صنعتی (واز) آنجمله صنعت‌های فولادسازی، درازن خرابکاری انرژی و نقشه و منظم و عامده امپریالیست‌ها بدست عمال ایران‌نشان، نتوانست ثمرات عالی خود را، چنانکه مطلوب بود، بیار آورد، هنوز مسئله صنعتی شدن کشور مسئله حل شده نیست.

مدارک و اسناد افشاگر رژیم خائن پهلوی را انتشار دهید

است. ما می‌پرستیم، چرا مدارک و اسناد افشا میشود و در معرض افکار عمومی مردم ایران و جهان قرار نمی‌گیرد؟

بزرگی از جمله گفته است: «ما وارک در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ حدود ۱۹ میلیون دلار در آمریکا خرج کرده است ... در زمان دیندار شاه و خسروش در اواسط نوامبر سال ۱۹۷۷ نیز حدود یازده میلیون دلار پول پسفازت رسیده بود... محدود شد هفته قبل مدارک جاری شد در این زمینه به «الف. بی. آی» دادیم و اینک منتظر نتیجه‌ها هستیم... تمام اسناد و مدارک می‌بوط به رابطه شاه مخلوع و خارجیان در از ره دور دربار شاهنشاهی موجود است. من نقل کرده‌ام تا ایسن مدارک در اختیار قرار گیرد و انتظار دارم که مطالب تازه و بدیع و پسر و سردار و در زمان آنها باشد. مددکی در دست است که اردشیر زاهدی سفیر سابق ایران در امریکا با فادرش فرانس چون بر رئیس‌سکی، کیسینجر، نلسون راکفلر و فرانسوا گوارنی و بیکر و ابراهام بیکوف مذاکره کرده بود و حمایت آنها را در زمینه برقراری حکومت نظامی شاه در زمستان سال ۱۹۷۸ کسب کرده بود...»

اینها جزئی از گفته‌های آقای دکتر یزدی و نیز امور خارجه

و در معرض افکار عمومی قرار گیرند.

جبهه متحد خلق در نیکاراگوئه، درسی که میتوان برای ایران گرفت

این اتحاد، در مقایسه با کشور ما، حتی یک قدم جلوتر است. ساختار سازمانی یافت، اینک سازمان آزادی بخش نیکاراگوئه ۲۲ سازمان زبیرا در بر میگیرد.

- ۱- حزب کمونیست نیکاراگوئه
- ۲- حزب سوسیالیست نیکاراگوئه
- ۳- جبهه دانشجویان انقلابی
- ۴- جبهه دانشجویان مارکسیست - لنینیست
- ۵- نهضت انقلابی کارگران
- ۶- سوسیالیست های جوان نیکاراگوئه
- ۷- جوانان انقلابی نیکاراگوئه
- ۸- حزب عملکرد و اتحاد سندیکها
- ۹- فدراسیون عمومی مشکل کار
- ۱۰- مرکز دانشگاهی دانشگاه ملی
- ۱۱- اتحادیه دانش آموزان دبیرستانها
- ۱۲- نهضت دانش آموزان دبیرستانها
- ۱۳- مرکز دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک
- ۱۴- تشکیلات زنان دمکرات نیکاراگوئه
- ۱۵- سازمان استادان دانشگاه
- ۱۶- سازمان ملت زحمتکش
- ۱۷- اتحادیه ملی کارمندان
- ۱۸- کمیته مبارزه برای آزادی سندیکها
- ۱۹- اتحاد روشنفکران و هنرمندان مترقی آمریکای مرکزی
- ۲۰- کانون وکلای دمکرات نیکاراگوئه
- ۲۱- فدراسیون نهضت های جوانان نیکاراگوئه
- ۲۲- کمیته مادران و خانواده های زندانیان سیاسی

این سازمانها نماینده عقاید گوناگون ایدئولوژیک، سیاسی و مذهبی هستند. در سازمان آزادیبخش ملی نیکاراگوئه، مذهب و غیر مذهب، کمونیست و غیر کمونیست، دمکرات و لیبرال، شانه به شانه یکدیگر مبارزه میکنند و در واقع جبهه متحد خلق نیکاراگوئه را تشکیل میدهند.

این جبهه، که با یکانگی عمل خود یکی از دیرینه ترین و خون آشام ترین مستبدان و استبدادها به امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین به فرار مجبور ساخت، اینک نیروی متحد خود را صرف بازسازی نیکاراگوئه، دفاع از دستاوردهای انقلاب این کشور و دفع فتنه انگیزی و خرابکاری عوامل امپریالیسم و بازماندگان ارتجاعی آن در نیکاراگوئه میکند. پیروزیهای جبهه متحد خلق در نیکاراگوئه میتواند ملهم و مشوق انقلابیون ایران برای تحقق اتحاد نیروهای راستین انقلابی در یکار دشوارشان علیه ضد انقلاب باشد.

خطر!

جایی که دشمن از همه سو، کرده قدم تا در بهار روشن این صبح بر آمدن اسبان باد را بدواند به میل خود قلب زمانه را

مگذاریم
بی بنامه
قلب زمانه را
مگذاریم
بی سهره
یادان
خطر
خطرا

برزین آذر مهر
۵ مرداد ماه ۱۳۵۸

تنها با اتخاذ تصمیمات و تدابیر انقلابی میتوان گرانی را مهار کرد

فریاد مردم از گرانی و بالا رفتن دم بدم هزینه زندگی به آسمان بلند است. خانواده های زحمتکش، که درآمد معلوم و ثابتی ندارند، پیش از همه در زیر بار گرانی پشت خم کرده اند. بهای کالاهای مورد نیاز عموم چنان قوس صعودی میبیماید که اکثریت مطلق زحمتکش در کار امرار معاش در مانده اند. بهای اجناس نه تنها در نقاط مختلف شهر متفاوت است، بلکه حتی طی یکروز ترقی میکند. هم گرانی وجود دارد، که نمودی از تورم است و از قانونمندی نظام سرمایه داری سرچشمه میگردد. هم گرانی و تورم، که صرف نظر از سایر عوامل، چون حساب و کتابی در کار نیست، بازار کالاهای مختلف در دست واسطه ها و دلالها و سودجویان است، و تا کلا از دست تولید کننده به مصرف کننده برسد، دستهای واسطه بهای آنرا به چند برابر می رسانند.

مردم ایران در نتیجه سیاست غلط اقتصادی رژیم پیشین، که در راستای سرمایه داری وابسته حرکت میکرد، سالها دراز است که بار گرانی را بردوش دارند. از پی شوم آن رژیم در عرصه اقتصاد، که از جمله تورم و گرانی بود، خود بخود با تمام پیامدهای آن به دوران انقلاب انتقال یافته عوامل تشدید کننده ای چون کاهش تولید، وجود واسطه ها، تحریک ضد انقلاب و غیره مزید بر علت شده اند. نتیجه آنکه، امروز بهای کالاهای ضروری مردم در مقایسه با قیمتهای سال پیش، در مواردی حتی به دو برابر افزایش یافته است. روشن حیوانی را، که مردم سال گذشته کیلویی ۳۰ تا ۵۰ تومان میخریدند، امسال باید تا ۱۰۰ تومان برای آن بپردازند. گوشت گوسفند، که سال گذشته کیلویی ۲۴ تومان بود، امسال ۳۳ تومان است. جبهه معدنی کبیرت را، که سال گذشته با ۱۳/۵ تومان میشد خرید، امسال باید برای آن ۲۱ تومان پول پرداخت، قیمت هندوانه، که سال گذشته کیلویی ۱۵ تا ۲۰ ریال بود، امسال به ۳۰ ریال رسیده است، پنیر کیلویی ۱۷ تومان را امسال باید بمبلغ ۲۰ تومان خرید.

اگر یک خانواده پنج نفری کارگری بخواهد ناهار شکم خود را با نان و پنیر و هندوانه هم سیر کند، لاقال باید ۳۰ تومان بابت بهای نان و پنیر و هندوانه پول بپردازد، که با حداقل دستمزد روزانه کارگران، که ۵۶۷ ریال تمیمن شده، بهیچ وجه مانعکی ندارد. این خانواده پنج نفری باید صبحانه و شام بخورد، لباس بپوشد، یا افزاز داشته باشد، فرزنداناش تحصیل کنند و حتی در مدارس دولتی شهری بپردازند، کرایه خانه بدهد، پول آب و برق را کارسازی کند، اینهمه از کجا! از محل ۲۶ تومان پولی که پس از صرف یک غذای ساده، از مزد روزانه اش باقی خواهد ماند؟

وضع کارمندان دولت نیز که حقوق ثابتی دارند، خیلی درخشان تر از کارگران نیست، آنها نیز در زیر بار سنگین گرانی، پشت خم کرده اند.

متأسفانه دولت هنوز سیاست و نقشه و برنامه ای برای مبارزه با گرانی و گرانی افروشی عرضه نکرده است. دولت فقط اعلام کرده که برای شکستن نرخها به ایجاد فروشگاههای دولتی اقدام خواهد کرد. البته این یک اقدام مفید برای جلوگیری از اجحاف فروشندگان است، ولی فقط یکی از عوامل مؤثر مبارزه با گرانی و افروشی است و در نتیجه بهیچوجه کافی نیست. به عقیده ما دولت، به موازات تشکیل فروشگاههای دولتی و تعاونی در شهرها و روستاها، باید سیاست مالی و بانکی را دگرگون کند و آن را بر اساس دفاع از منافع حیاتی زحمتکش از بن تمهید دهد، دولت باید با انجام اصلاحات ارضی بنیادی بسود هفتاد و بی زمین و یک زمین و یکارنداختن تمام امکانات خود در کشاورزی، در کالبد کشاورزی نیمه جانها، جان تازه ببندد و با دولتی کردن بازرگانی خارجی، صادرات و واردات کشور را در جهت حفظ منافع کشور و تأمین نیازمندیهای عموم شکل بخشد.

جز با اتخاذ تصمیمات و تدابیر انقلابی، نمیتوان غول گرانی را مهار کرد و هزینه زندگی را لاقال بطور نسبی با سطح درآمد طبقات زحمتکش هماهنگ ساخت.

مردم دلاور ایران، که با انقلاب شکوهمند خود رژیم مستبد و وابسته شاه مخلوع را واگسود کردند و یکی از نیرومندترین پایگاههای امپریالیسم آمریکا را در خاورمیانه و نزدیک بلوز در آوردند، از پیروزی انقلابیون نیکاراگوئه بس شادمانند.

انقلاب نیکاراگوئه، با وجود ویژگیهای خود، همانندی هایی نیز با انقلاب ایران دارد و میتواند برای انقلابیون ایران نیز شامل درسهای سودمندی باشد.

«گارد ملی» نیکاراگوئه، که چنانچه ریه های آن هنوز زبازرد جهان است، مانند سازمان تبه کار ساواک، در سالهای ۲۰ میلادی بوسیله «کارشناسان» ایالات متحده پسایه گذاری شد. در آن هنگام، فرماندهان «گارد»، افسران آمریکایی بودند. واگذاری صوری فرماندهی در سال ۱۹۳۲ به سوموزا، بهیچ روی از وابستگی آن به امپریالیسم آمریکانگست. فرماندهان و افسران ارشد «گارد»، از جمله خود دیکتاتور، در آموزشگاههای نظامی آمریکا، بویژه برای مقابله های ضد چریکی تعلیم می یافتند. در یکی از «درنامه های» آنها سؤال و جواب زیر را میان «معلم» آمریکایی و سر بازان نیکاراگوئه میخوانیم:

معلم: «وظیفه سر بازان چیست؟»
سر بازان: کشتن کشتن! کشتن!
معلم: «شما که هستین؟»
سر بازان: سر بازان
معلم: «هویت واقمیتان چیست؟»
سر بازان: برابرا برابرا
معلم: «برها چه میخوردند؟»
سر بازان: خون سرخ!
معلم: «خون کهره؟»
سر بازان: خون مردم را!

همانگونه که شاه خائن سالها میلیاردها دلار بابت مدرن ترین سلاحها بجهت اربابان آمریکایی خود میبخت، رژیم مستبد سوموزا نیز از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ مبلغ ۳۲ میلیون دلار اسلحه از ایالات متحده خریداری کرد، که مبلغ درآمد ملی این کشور، بمبلغ هنگفتی است و تنها برای سرکوب میهن پرستان نیکاراگوئه و حفظ منافع استراتژیک پانکیها در آمریکای مرکزی بکار میرفت.

درست مانند ایران، رژیم کارتر در برابر نیکاراگوئه نیز سیاست مزدورانه و ریاکارانه «حقوق بشر» خود را اعمال میکرد. از یکسو، برای فریب افکار عمومی و سرخم کردن در برابر موج وسیع نیروهای خلق، «انتقادی» از «نقض حقوق بشر» بعمل میامد و از سوی دیگر، در برابر حبس شکنجه و قتل هزاران تن از آزادیخواهان و میهن پرستان نیکاراگوئه مهرسکوت برلب زده میشد.

روزنامه «واشنگتن پست» در شماره اول اوت ۱۹۷۸ خود نوشت: «پرزیدنت کارتر در نامه شخصی که بر رئیس جمهوری نیکاراگوئه آناستازو سوموزا، نوشت، بهبود وضع حقوق بشر را در نیکاراگوئه بهیچ تریک نکند». اما، همانگونه که «نیوزویک» در شماره اول ژانویه ۱۹۷۹ خود نوشت، دولت کارتر در برابر کشتار ۳۰۰۰ نفر از میهن پرستان نیکاراگوئه بوسیله «گارد ملی»، در سپتامبر سال گذشته، بکلی سکوت کرد (حدس زده میشود که شماره واقعی کشته شدگان در قیام سپتامبر حداقل ۵۰۰۰ نفر بوده است).

امپریالیست های آمریکا، از نیکاراگوئه نیز مانند ایران، بارها بمنوان پایگاه تجاوز علیه کشورهای دیگر استفاده جسته اند. آنها در جریان تدارک حمله خود به کوبا، در سال ۱۹۶۱، به تعلیم مزدوران کوبایی در نیکاراگوئه پرداختند. بین ۲۰ تا ۱۷ مارس آن سال، سه کشتی آمریکایی مجهزات جنگی در پورتو کابزاس (Puerto Cabezas) پیاده کردند. تهاجم آمریکا به کوبا در ۱۷ آوریل صورت گرفت.

آناستازو سوموزا، چندماه پس از احراز ریاست جمهوری در کنفرانس مطبوعاتی در ماناگوا اعلام داشت که فساد دارد بهیچ تمام سپاه بفرستد. وی گفت: «بی شرفی است که در ازای کمک ۲۰ میلیون دلاری ایالات متحده، طوری مراتب قدرشناسی خود را ابراز نداریم».

بنظر ما یکی از مهمترین وجوه مشترک انقلابهای ایران و نیکاراگوئه، خلقی بودن این دو انقلاب بوده است. در نیکاراگوئه نیز مانند ایران، طبقات و قشرهای وسیع جامعه، باستثنای بورژوازی وابسته و «پرادور» زیر شعارهای ضد استبدادی و ضد امپریالیستی در انقلاب شرکت کردند.

کتابخانه مردم در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

تحقق این امر لازم و مفید کمک کنید.

لطفاً کتابهای اهدائی را از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تمهید کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزین دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهند داد. باسما، «مردم»

دفتر «مردم» در کار تشکیل یک کتابخانه است تا بتواند تمهیدات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد. خواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به

ریشه در خلق

توده ایران! بیمن! این حزب همان است که در زمان مصدق هم بود یا با آن فرقدارده! گفتم: نه، همان است.

لبخندی تمام چهره اش را پوشاند. با لحن شوق آمیزی گفت: «حزب توده ایران... پس همانها هستند! من آن سالها را خوب بیاد میآرم. زمانی که توده ایها به ما میآمدند و بر ایمان صحبت میکردند. چه حرف هائی میزدند! چیز هائی میگفتند که سی سال است در گوشم ننگ میزند. حیف که نگذاشتند...

اگر این حزب همان باشد که میگوئی، خیلی خوب است. حزب توده ایران، یعنی حزب تمام ملت ایران. خمس پیش جوانا بازمه شما. خدا حفظتان کند!»

گفتم: «به امید پیروزی خدا حافظ.» گفت: «خیر پیشا موفق باشی!»

بسر کوجه رسیدم، به پشت سرم نگاه کردم. هنوز هم همانا سنگینی اش پدا روی پیش انداخته بود و بسوی کسی که مهر فتم، خیره می نگریدست.

روزنامه ام را باز کرده بودم و همانطور که آهسته از کنار کوجه میگذشتم، مقاله ای از آن را میخواندم. در این اثنا از آن طرف کوجه صدائی به گوشم خورد که میگفت:

«درادرا اگر روزنامه خوان هستی، روزنامه های خوب بخوان! این روزها، بیشتر روزنامه ها دروغ می نویسند، هر مرد کارگری بود که با چند کارگر دیگر داشتند طعمه زمینی را برای، باختمان خاکبرداری می کردند. کلاهی نمیدی برس و چهره ای سوخته و پر چین و چروک داشت، که نشان میداد روستائی است.

گفتم: «خسته نباشی، پدر این از آن روزنامه ها نیست!» کمی فکر کرد و گفت: «اسم روزنامه چه؟» «مال کیه؟»

گفتم: «روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران.» در حالیکه پلکهایش را بهم نزدیک میکرد، بطرف آمد و گفت: «حزب

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق